

بررسی تأثیر قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرمایان کارگاه‌های تولیدی تا میزان پنج نفر بر ایجاد اشتغال و منابع و مصارف صندوق تأمین اجتماعی

محمد نادعلی^۱

چکیده:

قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما به میزان ۵ نفر کارگر، از سوی مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۶۱ تصویب و از ابتدای سال ۱۳۶۲ به اجرا درآمد. هدف اصلی قانونگذار از تصویب قانون معافیت، حمایت از کارگاه‌های تولیدی، صنعتی و فنی در شرایط جنگ به منظور اجتناب از تعطیلی آنها و در نهایت حفظ اشتغال، کاهش بیکاری، صیانت از تولید داخلی و کمک به خودکفایی اقتصادی، از طریق معافیت کارفرمایان این واحدها از ایفای قسمتی از تعهدات مالی آنها در قبال صندوق تأمین اجتماعی و تأمین منابع مالی این تعهدات از محل بودجه عمومی کشور بوده است.

دولت‌های قبلی با این پیش فرض که می‌توان با معاف کردن کارگاه‌های مشمول قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما زمینه تثبیت و ایجاد اشتغال بالایی را فراهم نمود به اتخاذ چنین سیاستی پرداخته‌اند. در پژوهش حاضر این مسئله دنبال شد که با گذشت بیش از ۲۴ سال از اجرای سیاست مزبور آیا به اهداف مدنظر سیاستگذار دست یافته‌ایم یا خیر؟ آثار و تبعات این سیاست در اجرا چه بوده است؟

^۱ مجری طرح، طرح پژوهشی مذکور در مؤسسه عالی پژوهش و تأمین اجتماعی سابق انجام پذیرفته است. نسخه کامل طرح در صندوق تأمین اجتماعی و پایگاه اسناد مؤسسه مستقر در صندوق تأمین اجتماعی وجود دارد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اجرای قانون مزبور به دلیل عدم پرداخت حق بیمه معاف شده توسط دولت، بدهی دولت به صندوق تأمین اجتماعی را افزایش داده و اثر منفی بر منابع و مصارف صندوق تأمین اجتماعی داشته است. هم‌چنین به دلیل سهم کمتر از ۲ درصدی قانون مورد بررسی از اشتغال کل کشور، تأثیر قانون بر اشتغال کل کشور در مقایسه با اثرگذاری سایر سیاست‌ها معنی‌دار نبوده است.

واژه‌های کلیدی: قانون معافیت سال ۱۳۶۱، صندوق تأمین اجتماعی، اشتغال، بدهی دولت و بنگاه‌های کوچک و متوسط.

مقدمه:

امروزه در اغلب کشورها -- اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه -- جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط^۱ در اقتصاد مورد توجه سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گرفته و تلاش می‌شود تا از پتانسیل‌های این گروه از بنگاه‌ها برای تحقق اهداف کلان اقتصادی استفاده شود. ایجاد اشتغال، افزایش بهره‌وری و تقویت روحیه رقابت و کارآفرینی در اقتصاد، سه ویژگی عمده بنگاه‌های کوچک و متوسط است که چنین جایگاهی به آنان بخشیده است. در ایران نیز با توجه به نرخ بالای بیکاری، حمایت از بنگاه‌های مزبور در راستای ایجاد اشتغال و کاهش بیکاری مورد توجه بوده است.

یکی از سیاست‌های حمایت از بنگاه‌های کوچک در راستای ایجاد اشتغال در کشور، اجرای قانون معافیت است. قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما تا میزان ۵ نفر کارگر مشتمل بر ماده واحده و پنج تبصره در مورخ ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ به تصویب مجلس شورای اسلامی و در تاریخ ۱۳۶۱/۱۲/۲۲ به تأیید شورای نگهبان رسید.^۲ به موجب قانون معافیت از آغاز سال ۱۳۶۲ کارفرمایان کلیه کارگاه‌های تولیدی، صنعتی و فنی که از خدمات دولتی (از قبیل برق، آب، تلفن، راه) استفاده می‌نمایند تا میزان ۵ نفر کارگر از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما معاف بوده و از ۵ نفر به بالا نسبت به مازاد ۵ نفر حق بیمه را خواهند پرداخت در

1. small and medium sized enterprises.

۲. مجموعه قوانین و مقررات تأمین اجتماعی، ۱۳۷۲، صص ۴-۹۲. هم‌چنین متن قانون در پیوست شماره ۱ آمده است.

شرایط کنونی کارفرمایان کارگاه‌هایی که بیش از ۵۰ نفر کارگر نداشته و فعالیت آنها در زمره ۳۷ رشته فعالیت مصوب قانون بوده و در عین حال صورت حقوق و دستمزد کارکنان خود و حق بیمه مربوطه به هر ماه را حداکثر تا دو ماه بعد به سازمان تحویل و پرداخت کنند، از این معافیت برخوردار می‌شوند. از آنجا که از یک سو، اهتمام جدی برای حمایت از صنایع کوچک در دولت وجود داشته و از سوی دیگر، کارگاه‌های کوچک نیز از پرداخت سهم حق بیمه کارفرما معاف هستند، این سؤال مطرح می‌شود که آیا چنین سیاستی در راستای ایجاد اشتغال مؤثر بوده است؟ آثار و تبعات قانون مزبور در عرصه عمل بر صندوق تأمین اجتماعی، دولت و اشتغال چه بوده است؟

در مقاله حاضر ابتدا به دستاوردهای کشورهای موفق در زمینه حمایت از بنگاه‌های کوچک اشاره و سپس به ارائه تصویری کلی از وضعیت بنگاه‌های کشور پرداخته شده است. در ادامه به بررسی عملکرد اجرای قانون معافیت طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۵ پرداخته و آثار مالی آن بر دولت، منابع و مصارف صندوق تأمین اجتماعی و اشتغال کشور تشریح شده است و در نهایت، نتیجه‌گیری و توصیه سیاستی ارائه شده است.

دستاوردهای کشورهای موفق در زمینه حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط

بررسی سیاست‌های اتخاذ شده در کشورهای مختلف در زمینه حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط نشان می‌دهد، بحث تأمین مالی بنگاه‌های مزبور بخش اصلی برنامه‌های حمایت در کشورهای موفق بوده است.^۱ لیکن باید توجه داشت که علاوه بر بحث تأمین مالی، سایر حوزه‌های سیاست‌گذاری از قبیل تسهیل قوانین و مقررات اجرایی، پرورش و تقویت فرهنگ کارآفرینی، تقویت نوآوری و افزایش سطح فنآوری، توسعه مشارکت در قالب خوشه‌ها و شبکه‌های صنعتی، امکان دسترسی به بازارهای جهانی و ترویج تجارت الکترونیکی نیز نه تنها نباید مورد غفلت واقع شوند؛ بلکه در خیلی از موارد می‌توانند از روش‌های معمول وام‌دهی، مؤثرتر باشند.^۲ مروری بر تجارب جهانی درخصوص توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط حاکی از نکات مشترک زیر است:^۳

1. OECD, 2005.

۲. دهنوی، دهقان، ۱۳۸۵.

3. World Bank, 2002, 2004.

۱. ایجاد و تقویت زیرساخت‌های صنعتی مناسب که دسترسی به تأمین مالی را تسهیل و انواع خدمات توسعه کسب و کار نظیر آموزش مهارت‌های فنی، کارآفرین، اطلاعات، فناوری، ابداعات، بهره‌وری و تحقیق و توسعه را ارائه نماید.
۲. ایجاد و تقویت سازمان‌های مربوطه تا داده‌های معنی‌داری را برای سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌ها فراهم نماید.
۳. حمایت از توسعه خوشه‌ها و شبکه بنگاه‌های کوچک و متوسط به‌عنوان ابزار تشویقی جهت پویایی کسب و کار و اجرای واقعی سیاست خصوصی‌سازی.
۴. حذف انحصارها از بنگاه‌های دولتی.
۵. ارتقای همگرایی بنگاه‌های کوچک و متوسط در زنجیره‌های ارزشی ملی و جهانی به منظور استفاده از مزیت کامل فرصت‌های بازار.
۶. بسط اهدافی خاص چون ارتقای کارآفرینان زن، جوانان و فارغ‌التحصیلان.
۷. در نهایت، در تمامی کشورهای منتخب بررسی شده () سیاست حمایتی از طریق معافیت بیمه‌ای، به حمایت از بنگاه‌های تولیدی و ایجاد اشتغال پرداخته نشده است. در کمتر مواردی مشاهده شده که از طریق معافیت بیمه‌ای به حمایت از اهداف کلان اقتصادی نظیر رشد تولید و اشتغال پرداخته شود، بیشتر از طریق سیاست‌های دیگر به تحقق اهداف مزبور پرداخته شده است. ضمن آنکه سیاست حمایت بیمه‌ای مشابه قانون معافیت که در ایران اجرا می‌شود ملاحظه نشد. اگرچه ممکن است در برخی از کشورها جهت تحقق اهداف اقتصادی مورد نظر از سازمان‌های تأمین اجتماعی نیز استفاده شود، ولی بعید است که به شیوه کنونی قانون معافیت در کشور، مواردی در سایر کشورها ملاحظه شود.

وضعیت بنگاه‌های اقتصادی کشور با تأکید بر بنگاه‌های تا ۵ نفر کارگر

امروزه در جامعه علمی و نظام سیاست‌گذاری کشور پیوسته در باب اشتغال و نیاز به فرصت‌های شغلی بحث و گفت و گوهای بسیاری در جریان است. منتهی براساس بررسی‌های به عمل آمده کمتر مشاهده می‌شود که سیاست‌گذاران و پژوهشگران به این نکته اساسی توجه داشته باشند که اصولاً اشتغال به تبع تولید حاصل می‌شود و تولید بنا بر یک رابطه فنی اقتصادی در بنگاه شکل می‌پذیرد. کارفرما یا صاحب بنگاه نیز براساس ملاحظاتی که از بازار عوامل و محصول دارد، تصمیم به تولید و آنگاه چگونگی ترکیب و تلفیق عوامل از جمله انواع نیروی

کار می‌پردازد. به عبارت دیگر، سیاستگذاران بیش از اینکه در باب اشتغال فکر کنند و نظر بدهند، باید به طور پیوسته روند ایجاد و انحلال بنگاه‌ها را در دستور کار خود قرار دهند. اصولاً بازار کار، تحت تأثیر بازارهای متعارف اقتصاد، به ویژه بازار کالاها و خدمات است. تقاضا در بازار کار، از میزان عرضه بازار کالا و خدمات یعنی همان سطح تولیدات جامعه متأثر یا مشتق می‌شود. بنابراین، «تقاضای نیروی کار» به مثابه یک پدیده در ارتباط با عوامل متعددی است که بر سطح تولیدات جامعه اثر می‌گذارند^۱.

جامع‌ترین آماری که راجع به بنگاه‌های اقتصادی وجود دارد مربوط به نتایج سرشماری عمومی کارگاه‌های کشور است که در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۱ توسط مرکز آمار ایران انجام شده است.^۲ بررسی وضعیت بنگاه‌های اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۱ به طور خلاصه حاوی نتایج زیر است:

۱. بنگاه‌های اقتصادی تا پنج نفر کارگر بیش از ۹۲ درصد از تعداد کل بنگاه‌های اقتصادی را در کشور به خود اختصاص داده است.
۲. بخش بزرگی از کارگاه‌های تا پنج نفر کارگر در کشور (حدود ۸۰ درصد) به فعالیت‌های خدماتی و واسطه‌ای مانند عمده‌فروشی، مستغلات و اجاره بها، خدمات عمومی، آموزشی، حمل و نقل و هتلداری، مشغول بوده و تنها حدود ۲۰ درصد از آنها به فعالیت‌های تولیدی مانند کشاورزی، شیلات، صنعت، معدن و ساختمان، مشغول هستند.
۳. ۹۰ درصد از کارگاه‌های مزبور در مالکیت بخش خصوصی و ۵/۳ درصد در مالکیت بخش دولتی و عمومی است.
۴. کارگاه‌های تا ۵ نفر کارگر، ۱۸/۹ درصد در تهران، ۱۰/۷ درصد در خراسان، ۸ درصد در اصفهان، ۶/۵ درصد در آذربایجان شرقی، ۵/۴ درصد در استان مازندران و بقیه در تنایز استان‌ها مشغول بکار بوده‌اند.

۱. طایبی، ۱۳۸۵.

۲. یادآور می‌شود که پس از انقلاب اسلامی تنها دو سرشماری از کارگاه‌های کل کشور در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۱ از سوی مرکز آمار ایران صورت گرفته است؛ سایر آمار موجود در این زمینه به صورت برآوردی بوده و به صورت سرشماری نیست.

۵. بررسی فعالیت‌های کارگاه‌های تا پنج نفر کارگر در استان‌های کشور برحسب تعداد کارگاه‌ها نشان می‌دهد که دو استان تهران و خراسان در اغلب فعالیت‌های اقتصادی دارای بیشترین تعداد کارگاه‌ها در مقایسه با سایر استان‌ها هستند.
 ۶. ۳۱/۵ درصد از اشتغال کارگاه‌های تا ۵ نفر کارگر مربوط به فعالیت‌های تولیدی (شامل: کشاورزی، صنعت، معدن، ساختمان، تأمین نیرو، آب و برق) و ۶۸/۵ درصد باقیمانده شاغلین مربوط به کارگاه‌های خدماتی است.
 ۷. حدود ۲۳/۷ درصد از کل شاغلین کشور در کارگاه‌های تا ۵ نفر کارگر مشغول به کار هستند.
 ۸. ۷۸ درصد از تعداد کل کارگاه‌های بیمه‌شده کشور، کارگاه‌های زیر ۵ نفر کارگر هستند.
 ۹. حدود ۲۶ درصد از کارگاه‌های زیر ۵ نفر کارگر کشور تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی هستند.
 ۱۰. در نهایت، مقایسه کارگاه‌ها به طور کلی و کارگاه‌های تا ۵ نفر کارگر طی دو مقطع زمانی ۱۳۷۳ و ۱۳۸۱ حاکی است که از نظر توزیع فعالیت، تعداد کارگر، توزیع استانی، توزیع شاغلین و توزیع شهری و روستایی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. مقایسه کارگاه‌ها در زمان‌های مزبور نشان می‌دهد که تعداد کارگاه‌ها در سال ۱۳۸۱ نسبت به سال ۱۳۷۳ از رشد حدود ۳۲ درصدی برخوردار بوده است.
- مروری کلی بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی کشور طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که آنها با سه مشکل اساسی زیرمواجه هستند:
۱. پایین بودن مقیاس تولید.
 ۲. محصولات توان رقابتی ناکافی در سطوح بین‌المللی تولیدی و صادراتی موجود در کشور را ندارند.
 ۳. مشکلاتی که به لحاظ داخلی و خارجی با آن مواجه هستند، نظیر: کمبود مهارت‌های انسانی (تخصص و دانش)، منابع مالی ناکافی برای گسترش سرمایه‌گذاری، محیط نامناسب کسب و کار در سطح ملی، مسئله جهانی شدن بازار عوامل و محصولات،

شکاف علمی و تکنولوژیک با دنیای خارج، تولید کالا و خدمات دانش به عنوان شکل غالب محصولات و فرایندهای جدید تولید و نوآوری پیوسته در روش‌های تولید.

بررسی عملکرد اجرای قانون معافیت طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۸۵

از اجرای قانون معافیت بیش از ۲۴ سال گذشته و این قانون آثار و پیامدهای مختلفی بر متغیرهای کلان اقتصادی کشور داشته است. در این بخش عملکرد قانون طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۵ بررسی شده است تا تصویری روشن از روند گذشته و وضعیت موجود عملکرد آن ارائه شود.

تعداد کارگاه‌های مشمول قانون معافیت:

با اجرای قانون معافیت در سال ۱۳۶۲ تعداد ۳۲۷۴۶ کارگاه از کل کارگاه‌های تحت پوشش سازمان، مشمول قانون مزبور شد. این تعداد کارگاه با متوسط رشد سالانه ۷/۹ درصد، در پایان سال ۱۳۸۵ به ۱۸۲،۷۴۷ رسیده است. طی دوره مورد بررسی همواره (به استثنای سال‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۷۹) تعداد کارگاه‌های مشمول قانون معافیت از رشد مثبت برخوردار بوده که بیشترین میزان رشد مربوط به سال ۱۳۶۶ (۱۶/۹ درصد) و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۷۸ (۱/۸ درصد) است (جدول شماره ۱). همچنین، نسبت کارگاه‌های مشمول به کل کارگاه‌های بیمه‌شده سازمان، طی سال‌های اجرای قانون به تقریب ثابت و برابر با ۱۵/۳ درصد است.

تعداد کارگران مشمول قانون معافیت (اشتغال قانون)

طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۵ تعداد کارگران کارگاه‌های مشمول قانون معافیت از حدود ۹۴ هزار نفر در سال اول اجرای قانون معافیت با ۶/۳ برابر افزایش، به حدود ۵۹۶ هزار نفر در پایان سال ۱۳۸۵ رسیده است. طی سال‌های مزبور (به استثنای سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰) همواره تعداد کارگران مشمول قانون دارای روند رشد مثبت سالانه بوده؛ به طوری که بیشترین میزان رشد در سال ۱۳۸۶ (۳۵ درصد) و کمترین میزان رشد در سال ۱۳۷۱ (۱/۷ درصد) واقع شده است. طی ۲۴ سال اجرای قانون معافیت، به طور متوسط تعداد کارگران مشمول از رشد سالانه ۹/۹ درصد برخوردار شده‌اند (جدول ۱). بررسی نسبت مشمولین قانون معافیت به کل

۱. مآخذ آماری عملکرد قانون معافیت، دفتر آمار معاونت اقتصادی سازمان تأمین اجتماعی سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۵ است.

تعداد بیمه‌شدگان شاغل صندوق تأمین اجتماعی، نشان می‌دهد، به طور متوسط طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۵، سالانه ۶/۲ درصد از کارگران کارگاه‌های تحت پوشش سازمان از قانون معافیت بهره‌مند شده‌اند. همچنین، سهم اشتغال قانون معافیت از کل اشتغال کشور به طور متوسط حدود ۱/۸ درصد بوده که سهم اندکی است.

سرانه فعالیت

سرانه فعالیت (معافیت) بنا بر تعریف برابر با نسبت حق‌بیمه سهم دولت (ناشی از قانون معافیت) به تعداد افراد مشمول قانون است. سرانه معافیت از حدود ۴۶ هزار ریال در سال اول اجرای قانون (۱۳۶۲) با افزایش حدود ۷۵ برابری به بیش از ۳/۴ میلیون ریال در پایان سال ۱۳۸۵ رسیده است (جدول شماره ۱). متوسط رشد سرانه معافیت طی دوره مورد بررسی ۲۱/۷ درصد بوده است. میزان سرانه معافیت تا سال ۱۳۷۰ روند بسیار ملایمی را داشته است، اما پس از آن به دلیل رشد سریع دستمزدها به ویژه حداقل دستمزد، روند آن صعودی شده است.

سرانه کارگران مشمول قانون معافیت

متوسط بیمه‌شده بنا بر تعریف عبارت است از: نسبت کارگران مشمول به تعداد کارگاه‌های مشمول قانون معافیت. این نسبت از ۲/۹ نفر در سال ۱۳۶۲ با روند افزایشی به ۵/۲ نفر در سال ۱۳۶۹ رسیده است. از سال ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۱ این نسبت کاهش یافته و به ۱/۹ نفر رسیده و پس از سال ۱۳۷۲ با روند ملایم افزایشی از ۲/۱ نفر به ۳/۳ نفر در پایان سال ۱۳۸۵ رسیده است. به طور متوسط طی دوره مورد بررسی در هر کارگاه تعداد ۳/۱ نفر مشمول قانون معافیت بوده‌اند (جدول شماره ۱).

آثار اجرای قانون معافیت بر تعهدهای دولت، صندوق تأمین اجتماعی و اشتغال

بدهی دولت به سازمان بابت قانون معافیت

بررسی بدهی دولت به صندوق تأمین اجتماعی بابت قانون معافیت نشان می‌دهد که (جدول شماره ۱) که ۱. دولت طی سال‌های اجرای قانون مزبور هیچ پولی بابت حق بیمه سهم کارفرمایان مشمول قانون معافیت به صندوق تأمین اجتماعی پرداخت نکرده است. ۲. بدهی

اسمی دولت بدون لحاظ تورم (رشد شاخص قیمت مصرف‌کننده)^۱ به سازمان از ۴/۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۲ با افزایش ۱,۸۲۶ برابری به مبلغ ۷,۸۶۱/۴ میلیارد ریال در پایان سال ۱۳۸۵ رسیده است. سوم آن که رشد سالانه بدهی دولت به سازمان همواره (به استثنای سال ۱۳۶۹) مثبت بوده و به طور متوسط طی سال‌های اجرای قانون معافیت از رشد سالانه حدود ۳۲ درصد برخوردار بوده است. چهارم آن که بدهی دولت به صندوق تأمین اجتماعی که به صورت سالانه توسط شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی تعدیل شده حاکی از آن است که مجموع بدهی دولت در پایان سال ۱۳۸۵ برابر با ۱۴,۹۵۳/۹ میلیارد ریال خواهد شد که حدود دو برابر ارزش اسمی بدهی دولت به سازمان و حدود ۲۲ درصد منابع سازمان در سال ۱۳۸۵ است.

در کل، اجرای قانون معافیت طی دوره مورد بررسی سبب بدهی به ارزش اسمی معادل ۷,۸۶۱/۴ میلیارد ریال برای دولت شده است. در مقابل به دلیل عدم تأثیر محسوس و معنی‌دار قانون در قیاس با سایر سیاست‌های دولت بر اشتغال (که در قسمت‌های بعدی مقاله بیان می‌شود) این قانون سبب افزایش کسری بودجه دولت و بدهکار نمودن دولت به صندوق تأمین اجتماعی و اثر منفی بر منابع و مصارف سازمان شده است.

آثار اجرای قانون معافیت بر صندوق تأمین اجتماعی

به طور اصولی و در صورت اجرای دقیق قانون معافیت نباید هیچ‌گونه بار مالی به صندوق تأمین اجتماعی تحمل می‌شد؛ چراکه معافیت موضوع این قانون در واقع یارانه‌ای تلقی می‌شود که باید از طریق بودجه عمومی کشور و به واسطه صندوق تأمین اجتماعی به کارگاه‌های مشمول پرداخت شود. ولی دولت طی سال‌های اجرای قانون هیچ‌گاه به تعهدهای خود عمل نکرد و در واقع بار مالی اجرای قانون مزبور به طور کامل بر صندوق تأمین اجتماعی تحمیل گردید. چنین واقعیتی سبب شده است که عملکرد صندوق تأمین اجتماعی به عنوان یک بیمه-گر بیمه‌های اجتماعی، از مبنای و اصول بیمه‌ای کمی دور شود.

نسبت بدهی دولت به منابع سازمان برای روشن‌تر شدن نقش بدهی دولت به صندوق تأمین اجتماعی بابت قانون معافیت، به بررسی سهم آن از کل منابع سازمان پرداختیم. نسبت بدهی اسمی دولت به منابع سازمان — که

1. Consumer Price Index (CPI)

در واقع نشان‌دهنده منابع درآمدی است که سازمان از آن محروم شده است-- از ۱/۹ درصد در سال ۱۳۶۲ به ۲/۸ درصد در پایان سال ۱۳۸۵ رسیده است. نسبت مزبور به طور متوسط طی دوره ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۵ برابر با ۲/۶ درصد در هر سال بوده است. به بیان دیگر، صندوق تأمین اجتماعی به طور متوسط سالانه به حدود ۳ درصد از منابع خود، به دلیل عدم پرداخت حق بیمه توسط دولت از محل اجرای قانون معافیت، دسترسی نداشته است. این مسئله آثار خود را در میزان بازدهی سرمایه‌گذاری سازمان و در نتیجه خدمات رفاهی و اجتماعی که سازمان به بیمه‌گذاران خود ارائه می‌دهد، نمایان خواهد ساخت. به طور کلی در پایان سال ۱۳۸۵، مجموع بدهی اسمی دولت به سازمان بابت قانون معافیت (بدون لحاظ تورم سالانه) حدود ۷۸۶۱ میلیارد ریال بوده که معادل حدود ۱۱ درصد منابع سازمان در سال ۱۳۸۵ است.

نسبت بدهی دولت به مصارف سازمان

نسبت بدهی دولت بابت قانون معافیت به مصارف صندوق تأمین اجتماعی از ۴/۱ درصد در سال ۱۳۶۲ به ۴/۲ درصد در سال ۱۳۸۵ رسیده است. طی دوره مزبور به طور متوسط، بدهی دولت به سازمان از محل قانون معافیت سالانه معادل ۴ درصد مصارف آن بوده است. به عبارت دیگر، به طور متوسط ۴ درصد مصارف سازمان که در برگیرنده خدمات بیمه‌ای، رفاهی و اجتماعی ارائه شده از سوی سازمان به بیمه‌گذاران آن است، طی سال‌های اجرای قانون معافیت بلوکه بوده و سازمان نتوانسته از آن در ارتقای زمینه‌های مزبور بهره برد. به طور کلی بدهی اسمی انباشته شده دولت (بدون لحاظ تورم سالانه) معادل ۱۶ درصد مصارف سازمان در سال ۱۳۸۵ است.

تأثیر قانون معافیت بر روند اجرای امور سازمان^۱ اشانی و مطاوعات فرخی
با تصویب قانون معافیت و براساس دستورالعمل اجرایی آن که از سوی اداره کل درآمد سازمان تدوین شد، شعب سازمان موظف به اعمال تغییرهای قابل ملاحظه‌ای در جریان چگونگی دریافت حق بیمه و تنظیم اظهارنامه‌ها، محاسبه‌های حق بیمه براساس پرونده‌های مطالباتی، تنظیم فرم‌های ارسال اطلاعات به واحدهای ستادی برای کارگاه‌های مشمول معافیت، شدند. این امر سبب تغییرهای عدیده‌ای در جریان عادی کار در مورد این کارگاه‌ها و

۱ سعیدی و همکاران، ۱۳۷۶.

طولانی و پیچیده تر شدن اجرای امور درآمد شعب و کاهش بازدهی کار در این بخش شده است.

به علاوه به دلیل ابهام در امر تمیز کارگاه‌های مشمول معافیت، از سایر کارگاه‌ها، مکاتبات بسیاری از سوی شعب سازمان با واحدهای ستادی استان و اداره کل درآمد سازمان انجام می‌پذیرد. از آنجا که اصلی‌ترین معیار برای استفاده کارگاه‌ها از معافیت، نوع فعالیت واقعی آنها است که به طور منحصر نیز براساس گزارش‌های بازرسی مشخص می‌شود - و در اغلب موارد نیز فعالیت دقیق کارگاه‌ها در گزارش‌های بازرسان ذکر نمی‌شود - واحدهای ستادی ناگزیر از اعزام کارشناسان به محل به منظور شناخت دقیق کارگاه می‌شوند. مجموعه اقدامات مزبور بخشی از وقت و نیروی انسانی سازمان را به خود اختصاص داده که هزینه آن هیچ‌گاه محاسبه و انعکاس نیافته است.

مشخص نبودن تعریف دقیقی از کارگاه‌های تولیدی، صنعتی و فنی و ناهمگونی فعالیت‌های مندرج در اولین فهرست کارگاه‌های مشمول معافیت، از همان ابتدا با واکنش کارفرمایان و سایر کارگاه‌ها در جهت تلاش برای استفاده از این معافیت همراه بوده است. این مسئله وقت و انرژی قابل ملاحظه‌ای از نیروهای اجرایی و کارشناسی سازمان را در بر خورد با آن به ویژه در سال‌های اولیه اجرای قانون به خود اختصاص داده. و در مواردی نیز سازمان را ناگزیر از رفتاری انفعالی کرده است. هرچند که با اصلاح فهرست کارگاه‌های مشمول معافیت از خردادماه سال ۱۳۶۹ گام مؤثری در رفع مشکل برداشته شده، اما باز فعالیت‌های تولیدی، صنعتی و فنی وجوددارند که در زمره کارگاه‌های مشمول معافیت قرار ندارند و به دلیل آنکه سازمان امکان ارائه توجیهی منطقی و قانونی برای عدم شمول این فعالیت‌ها ندارد، کارفرمایان آنها از عملکرد سازمان ناخوشایند هستند.

از دیگر مسائلی که اجرای قانون معافیت در مقابل سازمان قرار داده، سوء استفاده گروهی از کارفرمایان از قانون معافیت است. در مواردی که تعداد کارگران کارگاه‌های مشمول قانون کمتر از ۵ نفر است، در بعضی موارد کارفرمایان مربوطه خویشان، بستگان و نزدیکان خود را به عنوان بیمه‌شده کارگاه معرفی کرده که این موضوع سبب تحمیل هزینه‌هایی به سازمان می‌شود. هرگاه موردی برای سازمان محرز شود دفتر حقوقی سازمان به پی‌گیری موضوع از طریق مراجع قضایی می‌شود که این امر خود سبب صرف انرژی و اتلاف وقت دفتر مزبور و نیروی انسانی و کارشناسی سازمان می‌شود.

آثار اجرای قانون معافیت بر اشتغال

در بخش‌های قبلی ملاحظه شد که به لحاظ آماری، اولاً سهم اشتغال قانون معافیت از کل اشتغال طی سال‌های اجرای قانون به طور متوسط حدود ۱/۸ درصد بوده که سهم اندکی می‌باشد. دوم آن که اجرای قانون معافیت تأثیر محسوس و معنی‌داری بر روی روند رشد اشتغال کل کشور طی دوره اجرای قانون از خود نشان نمی‌دهد؛ به طوری که روند اشتغال هیچ جهش یا شدت رشدی را نمایان نمی‌سازد. روند رشد اشتغال کشور طی سال‌های ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۰ از یک رشد سریع برخوردار شده و از حدود ۱/۶ درصد رشد سالانه در سال ۱۳۶۷ به حدود ۶/۸ در سال ۱۳۷۰ رسیده است. این در حالی است که از سال ۱۳۶۹ به بعد تعداد رشته فعالیت‌های مشمول قانون معافیت از ۹۹ رشته به ۳۵ رشته فعالیت کاهش یافته، هم‌چنین تعداد مشمولین قانون معافیت نیز با کاهش بیش از ۳۴ درصدی طی دو سال ۱۳۶۹ و ۱۳۷۰ مواجه گشته است. لذا به طور شهودی و براساس تحلیل آماری می‌توان استنباط نمود، اگر چنانچه قانون معافیت دارای اثر معنی‌دار بر روی اشتغال کشور می‌بود نباید شاهد چنین روند صعودی در رشد آن باشیم. به بیان دیگر، روند اشتغال کل کشور به نوعی نشان می‌دهد قانون معافیت در ایجاد اشتغال یا کاهش بیکاری نقش معنی‌دار نداشته است.

بنابراین، با توجه به آنکه سهم اشتغال کارگاه‌های مشمول قانون معافیت کمتر از ۲ درصد اشتغال کل کشور است، لذا بیش از ۹۸ درصد اشتغال کل کشور در ارتباط مستقیم با قانون معافیت قرار ندارد. هم‌چنین، براساس شواهد ذکر شده اثر غیرمستقیم قانون معافیت بر روی ۹۸ درصد اشتغال کشور نیز در قیاس با سایر عوامل مؤثر بر اشتغال محسوس و معنی‌دار نیست.

به منظور دستیابی به رابطه منطقی‌تر میان تغییرهای اشتغال ناشی شده از قانون معافیت و تغییرهای معافیت‌های اعطا شده به کارفرمایان طبق قانون، در این بخش به ارائه مدلی اقتصادسنجی می‌پردازیم تا قضاوت در خصوص تأثیر قانون معافیت بر اشتغال کارگاه‌ها مشمول قانون و نیز سهم کمتر از ۲ درصدی اشتغال کل کشور از مبنای بهتری برخوردار باشد.

مدل تحقیق

مدل تحقیق در واقع نوعی تصریح مدل تقاضا برای نیروی کار است؛ چراکه به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال کارگاه‌های مشمول قانون -- که همان تقاضای کارگاه‌های مشمول برای نیروی کار است -- می‌باشیم. همان‌طور که می‌دانیم بر روی تقاضای بنگاه‌ها به نیروی کار یکی

از متغیرهایی مهم تأثیرگذار، دستمزد واقعی نیروی کار است. تقاضای بنگاه‌ها با دستمزد واقعی رابطه معکوس دارد؛ چراکه افزایش دستمزد واقعی به معنی افزایش بیشتر دستمزد اسمی نسبت به قیمت کالاها و خدمات و به مفهوم افزایش هزینه‌های بنگاه و در نتیجه کاهش سود آن و کاهش تقاضا برای نیروی کار است.^۱ جهت تصریح این متغیر در مدل، حداقل دستمزد اسمی که با استفاده از شاخص قیمت مصرف‌کننده واقعی شده، به کار گرفته شد.

از دیگر عوامل مؤثر در تقاضای نیروی کار، سیاست‌های اقتصاد کلان تأثیرگذار بر فعالیت بنگاه‌ها و قانون کار -- به عنوان عوامل محیطی -- است. همان‌طور که اشاره شد دو تحول مهم و مؤثر بر فعالیت بنگاه‌ها طی دوره بررسی رخ داده است که عبارتند از: بازنگری قانون معافیت در سال ۱۳۶۹ و تصویب قانون معافیت کارگاه‌های تا ۵ نفر کارگر از شمول قانون کار در سال ۱۳۷۹.

برای بررسی آثار سیاست‌های مزبور از دو متغیر مجازی در مدل استفاده شده است. انتظار می‌رود سیاست کاهش فعالیت‌های مشمول قانون معافیت بر روی تقاضا برای نیروی کار اثر منفی و در مقابل، قانون کار مصوب سال ۱۳۷۹ بر روی تقاضای نیروی کار بنگاه‌های مشمول قانون معافیت تأثیر مثبت داشته باشد؛ چراکه بنگاه‌های معاف شده جهت بهره‌مندی از مزایای قانون معافیت به سمت آن تمایل نشان خواهند داد.

در نهایت، متغیر تأثیرگذار دیگر بر روی تقاضای نیروی کار در کارگاه‌های مشمول قانون معافیت، اجرای قانون معافیت و در نتیجه معافیت‌های اعطایی از این محل به کارفرمایان کارگاه‌های مزبور است. جهت تصریح این متغیر در مدل بدهی دولت به صندوق تأمین اجتماعی که در واقع همان معافیت اعطا شده است در نظر گرفته شد. انتظار می‌رود معافیت اعطایی مزبور، بر روی تقاضای بنگاه‌های مشمول برای نیروی کار تأثیر مثبت داشته باشد.

در ابتدا از آزمون دیکی - فولر تعمیم یافته^۲ (ADF) برای بررسی ایستایی سری زمانی و آزمون ریشه واحد بکار برده شد. سپس از روش OLS برای بررسی رابطه میان اشتغال قانون معافیت با معافیت اعطا شده و کارگاه‌های مشمول استفاده شده است.^۳ متغیرهای مدل به صورت سالانه و طی دوره زمانی ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۵ مورد برآورد قرار گرفته است. در میان مدل‌های مختلفی که مورد بررسی قرار گرفتند، مدل برگزیده شده ضمن رعایت فروض

۱. برانسون، ۱۹۷۹، صص ۵۰-۱۴۴.

2. Augmented Dickey Fuller (ADF)

۳. شیرین بخش و خوانساری، ۱۳۸۴.

استاندارد کلاسیکی مدل‌های رگرسیونی، نتایج قابل قبول‌تر و معنی‌دارتری را در مقایسه با سایر مدل‌های مورد بررسی از خود نشان می‌دهد که به تشریح آن پرداخته می‌شود:

$$DLOG(L) = -0.04 + 0.73 DLOG(G) - 0.52 DLOG(W) + 0.12 D79 - 0.14 D69 + 0.57MA(1)$$

$$R^2 = 0.79 \quad D-W = 1.94 \quad F = 13.3$$

$$Prob(F) = 0.0$$

DLOG(L): رشد لگاریتم اشتغال حاصل از اجرای قانون معافیت

DLOG(G): رشد لگاریتم بدهی دولت به سازمان بابت قانون معافیت

DLOG(W): رشد لگاریتم دستمزد واقعی نیروی کار

D69: متغیر مجازی سال ۱۳۶۹

D79: متغیر مجازی سال ۱۳۷۹

MA(1): میانگین متحرک مرتبه اول

جدول شماره ۱. نتایج مدل تحقیق

نام متغیر	ضریب برآورد	خطای معیار	آماره t	P-Value
عرض از مبدأ	۰/۰۴	۰/۰۸	۰/۵۱	۰/۶۱
DLOG(G)	۰/۷۲	۰/۱۴	۵/۲۵	۰/۰
DLOG(W)	-۰/۵۱	۰/۲۳	-۲/۲۲	۰/۰۳
D69	-۰/۱۴	۰/۰۸	-۱/۷۷	۰/۰۹
D79	۰/۱۲	۰/۰۷	۱/۹	۰/۰۷
MA(1)	۰/۵۷	۰/۲۱	۲/۶۸	۰/۰۱

نتایج حاصل از برآورد مدل نشان می‌دهد ارتباط میان رشد اشتغال قانون معافیت و رشد میزان معافیت اعطا شده توسط دولت به طور کامل معنی‌دار بوده و این ارتباط مثبت است. به بیان دیگر، بر طبق نتایج مدل یک درصد تغییر در میزان معافیت ارائه شده منجر به $0/72$ درصد تغییر اشتغال در کارگاه‌های مشمول شده است. در مقابل، ارتباط میان رشد اشتغال قانون با رشد دستمزد واقعی نیروی کار معکوس و از نظر آماری معنی‌دار است. ضمن آنکه هر یک درصد افزایش در دستمزد واقعی منجر به کاهش $0/53$ درصدی تقاضای کارگاه مشمول برای نیروی کار شده است. نتایج حاصل شده با مبانی نظری موضوع منطبق است.

علامت متغیر مجازی سال 1369 (D69) منفی بوده که به مفهوم اثر منفی کاهش رشته فعالیت‌های مشمول قانون معافیت بر رشد اشتغال کارگاه‌های مشمول قانون است که این علامت نیز مورد انتظار است. علامت متغیر مجازی سال 1379 (D79) مثبت بوده که به مفهوم اثر مثبت قانون معافیت کارگاه‌های 5 نفر کارگر و کمتر از شمول قانون کار بر افزایش تعداد کارگاه‌های مشمول قانون معافیت جهت استفاده از مزایای بیمه تأمین اجتماعی و در نتیجه اثر مثبت و افزایشی بر رشد شاغلین مشمول قانون معافیت است. همان‌طور که در بخش قبلی اشاره شد متغیر $MA(1)$ (میانگین منحرف مرتبه اول) جهت رفع خودهمبستگی به مدل اضافه شده است.

درکل، قانون معافیت بر روی تغییرهای اشتغال کارگاه‌های مشمول قانون معافیت اثر مثبت داشته است. اما در خصوص تأثیر قانون بر روی اشتغال کشور نیز چند نکته قابل تأمل است: که 1. به دلیل آن که سهم اشتغال کارگاه‌های مشمول قانون معافیت به طور متوسط کمتر از 2 درصد کل کشور بوده است و قانون بر روی اشتغال کارگاه‌های مشمول مؤثر بوده، لذا قانون معافیت اثر مثبت مستقیم بر روی حدود 2 درصد از اشتغال کشور داشته است. 2. تأثیر غیرمستقیم قانون معافیت بر روی 98 درصد دیگر اشتغال کل کشور معنی‌دار نیست (دلیل این مدعا در صفحه‌های قبل اشاره شد). 3. طی سال‌های مورد بررسی سیاست‌های بسیاری در جهت ایجاد اشتغال در کشور اجرا شده که این مسئله سبب شده، نتوان به راحتی اثر سیاست خاصی را بر روی اشتغال بررسی نمود. اما آنچه مسلم است در صورت اثر معنی‌دار قانون معافیت بر روی کل اشتغال، باید با محدود شدن فعالیت‌های شمول قانون، حداقل روند رشد اشتغال تشدید نمی‌شد؛ اما در عمل چنین مسئله‌ای اتفاق نیفتاده است. لذا می‌توان نتیجه گرفت که اثر سیاست‌های اقتصادی اجرا شده طی دوره مزبور بر روی اشتغال بیشتر و مؤثرتر بوده است.

نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

با توجه به میزان معافیت هر کارگاه به ازای هر بیمه‌شده در مقایسه با سایر عوامل اقتصادی انگیزشی برای به کارگیری یا اخراج یک کارگر، قانون معافیت نقش تعیین‌کننده‌ای را در اشتغال کل کشور نمایان نمی‌سازد. به عنوان مثال، چگونه می‌توان انتظار داشت که در سال ۱۳۸۵ مبلغی حدود ۲۸,۵۰۰ تومان معافیت ماهانه^۱ انگیزه‌ای باشد برای استخدام یک کارگر بیشتر که به مثابه قبول باز مالی معادل چندین برابر مبلغ مزبور برای پرداخت دستمزد و سایر هزینه‌های نگهداری کارگر و نیز گرفتار آمدن در چارچوب مقررات قوانین کار، تأمین اجتماعی و مالیات است. واقعیت این است که بیکاری در اقتصاد ایران رشد خود را در دلایل ساختاری اساسی‌تری جستجو می‌کند. تصمیم یک کارفرما به جذب نیروی کار بیشتر محصول مطالعه متغیرهای اساسی‌تری است تا تخفیف اندکی به عنوان معافیت قسمتی از حق‌بیمه کارگران ضمن آنکه افزایش نیروی کار در یک واحد تولیدی مستلزم توسعه فعالیت، بهبود شرایط اقتصادی، بهبود انتظارات سرمایه‌گذاران از اوضاع اقتصادی کشور و در نهایت، تشکیل مطلوب سرمایه جهت سرمایه‌گذاری است که این واقعیت‌ها به نوبه خود با تنگناهای ویژه‌ای روبه‌رو هستند.

در مجموع، پژوهش صورت گرفته در خصوص آثار اجرای قانون معافیت طی ۲۴ سال گذشته نتایجی به شرح زیر در برداشته است:

- هیچ‌گونه شواهد و مستندات دال بر انجام مطالعه اولیه در خصوص آثار مورد انتظار از قانون معافیت و امکان‌سنجی برای اجرای آن در قالب طرحی توجیهی در دسترس نیست. به همین دلیل نیز ملاحظه می‌شود که از همان ابتدا موادی از قانون که تأمین‌کننده منابع مالی لازم جهت اجرای قانون توسط دولت است به اجرا در نمی‌آید.
- قانون معافیت حتی اگر به طور کامل به اجرا در می‌آمد، صندوق تأمین اجتماعی صرفاً بار اداری و اجرایی قانون را متحمل می‌شد. هرچند که اجرای قانون مزبور از سوی صندوق تأمین اجتماعی موجب پیچیدگی و طولانی‌تر شدن مسیر اجرای امور به ویژه در بخش محاسبه‌های حق بیمه و نگهداری حساب‌ها شده است. اما عدم ایفای تعهدات دولت در مورد پرداخت حق‌بیمه سهم کارفرما تا این زمان و با توجه به روند شتابان کاهش ارزش

۱. توضیح آنکه جهت محاسبه میزان معافیت ماهانه در سال ۱۳۸۵، میزان معافیت سرانه در سال مزبور بر تعداد ماه‌های سال یعنی ۱۲ ماه تقسیم شده است.

پول ملی و از دست رفتن فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سودآوری آن منابع مالی سازمان را تحت تأثیر قرار داده است.

۳. اهداف تعیین شده برای قانون معافیت - حمایت از بخش‌های تولیدی و صنعتی و ایجاد اشتغال، کمی خوش بینانه بوده است؛ زیرا براساس مطالعه‌های خارجی و داخلی استفاده از سیاست حمایتی از طریق ایفای معافیت بیمه‌ای (آن هم به هزینه صندوق تأمین اجتماعی) کمتر در تجارب بین‌المللی موفق مورد بررسی مشاهده می‌شود؛ چراکه این شیوه حمایت در قیاس با سایر شیوه‌های حمایتی مؤثر (مانند: فراهم نمودن بستر فعالیت بخش خصوصی، حمایت‌های وارداتی و صادراتی، معافیت‌های مالیاتی، تسهیل قوانین و مقررات اجرایی، پرورش و تقویت فرهنگ کارآفرینی، تقویت نوآوری و افزایش سطح فناوری، توسعه مشارکت در قالب خوشه‌ها و شبکه‌های صنعتی، امکان دسترسی به بازارهای جهانی، ترویج تجارت الکترونیکی و نظایر آن) از جایگاه مقبولی برخوردار نیست.

۴. قانون معافیت بر روی تغییرات اشتغال کارگاه‌های مشمول قانون معافیت اثر مثبت داشته است. هم‌چنین، بر روی اشتغال کمتر از ۲ درصد کل کشور بجز اثر مثبت مستقیم داشته است. اما تأثیر غیر مستقیم قانون معافیت بر روی ۹۸ درصد دیگر اشتغال کل کشور معنی‌دار نبوده است چراکه طی سال‌های مورد بررسی سیاست‌های بسیاری در جهت ایجاد اشتغال در کشور اجرا شده که در قیاس با قانون معافیت مؤثرتر بوده است.

توصیه‌های سیاستی

براساس نتایج و یافته‌های پژوهش حاضر پیشنهادهای اصلاحی زیر مطرح هستند:

الف) قانون معافیت از پرداخت حق بیمه سهم کارفرما به میزان ۵ نفر کارگر با فلسفه حمایت از کارگاه‌های تولیدی، صنعتی و فنی در شرایط جنگ و به منظور اجتناب از تعطیلی آنها در شرایط مزبور و در نهایت حفظ اشتغال، کاهش بیکاری، صیانت از تولید داخلی و کمک به خودکفایی اقتصادی مطرح و اعمال شد. از آنجا که شرایط خاصی که منجر به تصویب چنین قانونی به پایان رسیده و اقتصاد کشور نیز از روند باثبات و رو به رشدی برخوردار است، ضمن آنکه قانون معافیت نیز در اثرگذاری بر روی اشتغال کل کشور در قیاس با سایر سیاست‌های اقتصادی اثر معنی‌داری نداشته و سبب ایجاد مشکلاتی برای صندوق تأمین اجتماعی شده است، لذا پیشنهاد اصولی بررسی امکان توقف اجرای قانون معافیت است.

ب) چنانچه به هر دلیل ادامه اجرای قانون معافیت مورد نظر مسئولین باشد، لازم است در چگونگی اجرای آن اصلاحات زیر اعمال تا مسائل و کاستی‌های موجود تا حد ممکن کاهش یابد:

۱. بازنگری در رشته فعالیت‌ها و تعریف کارگاه‌های مشمول و ارائه تعریفی دقیق از کارگاه‌ها و فعالیت‌های مشمول.
۲. برای سادگی در امر محاسبه‌ها و رفع پیچیدگی که در حال حاضر در کار محاسبه حق بیمه این قبیل کارگاه مطرح است، می‌توان مبالغ مقطوعی را برای هر بیمه‌شده کارگاه به عنوان معافیت برای کارفرما در نظر گرفت و این مبلغ را همه ساله مورد تجدید نظر قرار داد.
۳. ادامه اجرای قانون معافیت منوط به پرداخت بدهی دولت به سازمان از این بابت است. بنابراین پرداخت مطالبات معوق دولت به سازمان و پرداخت به موقع سهم دولت از این قانون به دولت توصیه می‌شود. ضمن آنکه دولت می‌تواند در پرداخت بدهی دولت به سازمان بابت قانون معافیت، بخشی از هزینه فرصت از دست رفته سالیان گذشته را نیز مدنظر قرار دهد.



منابع و ماخذ

منابع فارسی

۱. امینی، علیرضا، "مجموعه آماری سری زمانی بازار کار"، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان، ۱۳۸۵.
۲. بانک مرکزی ایران، "گزارش اقتصادی و ترازنامه بانک مرکزی ایران"، سال‌های مختلف.
۳. برانسون، ویلیام اچ. *تئوری و سیاست‌های اقتصاد کلان*، ترجمه عباس شاکری، نشر نی، ۱۳۷۴.
۴. دهقان دهنوی، محمدعلی، "جایگاه بنگاه‌های کوچک و متوسط در توسعه، اشتغال و صادرات"، *ماهنامه اقتصاد و توسعه*، شماره‌های ۱۶-۱۲، ۱۳۸۵.
۵. دفتر آمار معاونت اقتصادی صندوق تأمین اجتماعی، "آمار کارگاه‌های مشمول قانون معافیت"، سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۶۲.
۶. سعیدی و همکاران، "بررسی تأثیر قانون معافیت از پرداخت حق‌بیمه سهم کارفرمایان کارگاه‌های تولیدی، صنعتی و فنی تا میزان پنج نفر کارگر بر ایجاد اشتغال و صندوق تأمین اجتماعی: مطالعه موردی استان تهران"، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، تهران، ۱۳۷۶.
۷. شیرین بخش، شمس‌الله و زهرا خوانساری، «کاربرد Eviews در اقتصادسنجی»، پژوهشکده امور اقتصادی، تهران، ۱۳۸۴.
۸. طائی، حسن، "بنگاه‌های اقتصادی و اشتغال منابع انسانی"، *اقتصاد و جامعه*، شماره ۹، ۱۳۸۵.
۹. *مجموعه قوانین و مقررات تأمین اجتماعی*، دفتر حقوقی صندوق تأمین اجتماعی، ۱۳۷۲.
۱۰. مرکز آمار ایران، *نتایج سرشماری عمومی کارگاه‌های کشور*، سال ۱۳۷۳.
۱۱. مرکز آمار ایران، *نتایج سرشماری عمومی کارگاه‌های کشور*، سال ۱۳۸۱.
۱۲. منصور، جهانگیر، "قانون کار، قانون بیمه بیکاری همراه با تصویب‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، بخش‌نامه‌ها"، نشر دوران، تهران، ۱۳۸۲.

منابع انگلیسی

1. OECD, "OECD, SME and Entrepreneurship Outlook 2005", 2005, Available in www.oecd.org.
2. World Bank, "SME" World Bank Group Review of Small Business Activities, Washington, DC: World, 2002, 2004.

(جدول شماره ۲. عملکرد آماری قانون معافیت طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۸۵ (میلیون ریال)

سال	کارگاه‌های بیمه شده سازمان	بیمه شدگان سازمان	کارگاه مشمول قانون	معافیت قانون (نفر)	اشتغال قانون (نفر)	کشور(هزار) اشتغال کل	بیمه تجمعی دولت	بیمه تجمعی با تورم	بیمه شده دولت	کل منابع سازمان	کل مصارف سازمان
۱۳۶۲	۲۱۶۰۵۰	۱۹۸۰۲۵۸	۳۲۷۶۶	۹۳۸۶۱	۱۰۵۱۶	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۲۲۳۶۰۳	۴۳۵۰	۱۰۷۲۰۸	۱۱۸۳۲۴
۱۳۶۳	۲۲۸۶۹۳	۲۱۷۲۶۶۶	۳۶۵۱۵	۱۱۹۲۳۲	۱۰۶۲۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۲۶۶۰۸۲	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۶۴	۲۲۶۳۰۲	۲۲۲۳۰۵۷	۴۰۲۸۰	۱۵۵۳۰۸	۱۰۹۳۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۲۷۵۰۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۶۵	۲۳۶۶۳۰	۲۱۶۳۶۷۰	۷۸۷۷۸	۱۷۷۱۱۲	۱۱۰۵۶	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۱۷۸۷۰	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۶۶	۲۲۸۶۳۳	۲۱۸۷۴۴۲	۴۴۱۳۳	۱۵۵۳۰۸	۱۱۳۰۹	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۱۹۵۵۴	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۶۷	۳۳۱۵۳۲	۳۳۴۳۲۲	۵۰۷۱۸	۱۷۷۱۱۲	۱۱۴۵۹	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۳۱۳۳۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۶۸	۳۲۷۳۲۸	۲۸۷۸۲۸	۳۵۵۳۲	۳۰۷۰۴۱	۱۱۷۳۸	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۶۷۴۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۶۹	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۷۰	۳۴۳۳۳۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۷۱	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۷۲	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۷۳	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۷۴	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۷۵	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۷۶	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۷۷	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۷۸	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۷۹	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۸۰	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۸۱	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۸۲	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۸۳	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۸۴	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴
۱۳۸۵	۳۲۸۷۸۳	۲۶۹۶۲۱	۳۶۳۲۱	۱۷۸۱۰۲	۱۲۲۵۵	۹۸۷۷	۴۳۵۰	۳۲۸۷۸۳	۴۳۵۰	۱۲۳۶۰۳	۱۱۸۳۲۴

ماخذ: دفتر آمار، معاونت اقتصادی صندوق تأمین اجتماعی.